

منهای فوتبال

طلايي های وو شودر چین



مسابقات جام جهانی وو شودر در حالی به میزبانی چین برگزار شد که تیم ایران با پنج سانداکار مرد و سه نفر در بخش بانوان به این رقابت‌ها اعزام شد. الهه و شهربانو منصوریان که به تازگی در بازی‌های آسیایی روی سکوی دوم ایستادند، در جام جهانی مدال طلا را به گردن انداختند تا نتیجه جاکار تا را جبران کنند. فریبا ندیری هم که نخستین حضورش در تیم ملی را تجربه کرد و به جای مریم هاشمی که در دوره قبل خداحافظی کرد، به این میدان رفت، سکوی قهرمانی را زیر پای خود آورد تا نشان دهد کادرفنی در انتخاب او اشتباه نکرده است. همچنین در تیم آقایان تاظهر دیروز محسن محمدسیفی و میلاد عارفی مقام هم طلايي شدند. الهه منصوریان در ۵۲ کیلوگرم، شهربانو منصوریان در ۶۵ کیلوگرم، فریناز ندیری در ۷۵ کیلوگرم، محسن محمدسیفی در ۷۰ کیلوگرم، یوسف صبری در ۷۵ کیلوگرم، معین تقوی در ۸۵ کیلوگرم، میلاد عارفی مقام در ۹۰ کیلوگرم و حمیدرضاقلی‌پور در ۹۰+ کیلوگرم نمایندگان ایران در این دوره از رقابت‌ها هستند. روز گذشته مسابقات صبری، تقوی و قلی‌پور برگزار شد. ایران در دوره قبلی رقابت‌ها عنوان قهرمانی را به دست آورد.

■ ■ ■

#معروف_ تنها نیست

خبر پیگیری قضایی احمد ضیایی رئیس فدراسیون والیبال و اعلام کشاندن پای سعید معروف به خاطر پست انتقادی‌اش به محاکم قضایی، با خبر تشکیل جلسه کمیته انضباطی فدراسیون برای این موضوع کامل شد. مثل همیشه فضای مجازی و در راس آن اینستاگرام میزبان پرداختن به این موضوع بود. عادل غلامی والیبال‌بست ایران علنی از سعید معروف حمایت کرد. او با انتشار پستی در اینستاگرام نوشت: «تو همیشه رک‌گو بودی و هستی و حرف دل همه بازیکنان را زدی. کاپیتان دوست‌داشتنی ما پشتتیم.» او هشتگ #معروف_تنها نیست را هم راه انداخت تا حمایت دیگر بازیکنان از کاپیتان را در دعوا با ضیایی بگیرد. بسیاری از والیبال‌بست‌ها هم راه غلامی را ادامه دادند و حتی کار به خانواده برخی از آنها هم رسید تا حمایت‌شان را از کاپیتان دریغ نکنند. این در حالی است که فرهادظریف، لیبروی سال‌های نزدیک تیم ملی به همراه ضیایی در برنامه تلویزیونی، از سعید معروف و امیرخوش‌خبر و برخی باندبازی‌ها در تیم ملی انتقاد کردند. ضیایی به عنوان رئیس بازنشسته باید به زودی صندلی‌اش را تحویل بدهد و بر کنار کردن امیرخوش‌خبر سرپرست تیم ملی در آخرین روزهای کاری‌اش آتش اولیه این دعوا را روشن کرد.

■ ■ ■

نوبت انتقاد از خادم است

ناکامی بزرگ تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی در مسابقات جهانی بوداپست زبان انتقاد بسیاری را باز کرده است. کسانی که زمان موفقیت کشتی سکوت کرده بودند، حالا با فراغ بال به رسول خادم انتقاد می‌کنند. یکی از این منتقدان امید نوروزی است. قهرمان المپیک لندن که سال‌هاست خود را از دوندۀ کشتی فرنگی دور نگه داشته است، دلیل دوری‌اش را رسول خادم دانست. او گفت: «من یکی از قربانیانی هستم که خادم چهار مدال را گرفت چون او شمشیر را برای من از رو بسته است. من هم آدمی نیستم که بخوام به خادم باج بدهم. به همین خاطر دو سال است که از تیم ملی دور هستم و به نوعی قید ملی‌پوش بودن را زده‌ام. دچار مصدومیت هم شده بودم و در نامه‌ای این مساله را به فدراسیون کشتی اعلام کردم، اما مسئولان فدراسیون مجبورم کردند که کشتی بگیرم و با یک بدن ناآماده کشتی گرفتم. با این حال اگر اشتباهات داور نبود، پیروز می‌شدم، اما من را بازنده کردند و همین مساله باعث جر و بحث من با خادم شد. اشکانی در تیم ملی هیچ اختیاری ندارد و همه تصمیمات توسط خادم گرفته می‌شود. شورای فنی و کادرفنی فرمالیته است. من تا چهار سال دیگر می‌توانم کشتی بگیرم، اما تا زمانی که خادم و کادرفنی باشند، به تیم ملی بر نمی‌گردم.»

علی دایی یارادو، بز ن بهادر واقعی کیست؟

ادب مرد به ز شهریاری اوست!

درست وقتی چهره‌های اسطورهای فوتبال در کشورهای مختلف دنیا برای به دست آوردن کرسی‌های مهم مدیریتی رقابت می‌کنند، علی دایی همچنان ترجیح می‌دهد وسط «گود» بماند. البته که این وسط گودماندن اگر همانند مربیانی مثل زین‌الدین زیدان به احترام، آرامش و موفقیت‌گره خورده باشد، مفید خواهد بود اما حقیقت آن است که «علی دایی مربی» همواره در متن جنجال‌های روزمره قرار دارد. جنجال‌هایی که بزرگ‌ترین صدمه را به اعتباری می‌زنند که شهریار سال‌های سال برای خودش جمع کرده است.



آر یار هنورد

زمین فوتبال را داشت اما دایی این بار هم مقابل هافبک جنجال‌ساز تیمش نایستاد و مجال ایجاد درگیری تازه‌ای را برای او ایجاد کرد. مرداول نیمکت سایپا تنها یک هفته قبل، با وجود واضح بودن پنالتی اعلام شده به سود استقلال، شدیداً به داور ی معترض بود و این بار نیز به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شد «مسئولیت» ماجراهای تلخ رخ داده در پایان نبرد با پرسپولیس را بپذیرد. این اولین بار نیست که او از زیر بار چنین مسئولیتی شانه خالی می‌کند. به نظر می‌رسد او با وجود یک دهه سرمربیگری، در کنار زمین هنوز یک «مهاجم عصبانی» است و همچنان کنترل چندانی روی خشمش ندارد. یک مربی در چنین موقعیتی، طبیعتاً باید پخته‌تر عمل کند و سد راه درگیری شود اما شهریار به سرعت خودش را در درگیری حل می‌کند و برای زد و خورد، قدم پیش می‌گذارد. از این سابقه درگیری با کریم باقری و البته کتک زند مهدی طارمی در

زمین فوتبال را داشت اما هواداران این باشگاه بعد از تماشای ماجراهای ورزشگاه تختی، چطور می‌توانند او را به عنوان یک «پرسپولیسی» بشناسند؟ مگر او همان مردی نبود که در اولین بازی پرسپولیس بعد از گذشت هادی نوروزی، به جای همدردی با اعضای این باشگاه، در کنفرانس خبری از تلاش داور برای روحیه دادن به تیم سوگوار و سیاهپوش میدان صحبت می‌کرد؟ دایی مثل همیشه، خودش را بیشتر از هر رنگ و هر تیمی دوست دارد و این علاقه افراطی به خود، آشناترین تصویری است که در فوتبال ایران از این مربی سراغ داریم.

نقش علی دایی در کمک به مردم زلزله‌زده کرمانشاه، حساسیت او روی اختصاص کمک‌های نقدی جمع‌آوری شده برای ساخت خانه‌های مسکونی در روستای ویران شده مله‌رولان و چندین نوبت سفر به این روستا برای نظارت بر ساخت و سازها، می‌توانست از شهریار یک «قهرمان ملی» بسازد. قهرمانی که

به گواه شاهدان حاضر در ورزشگاه تختی، شهریار با یک سیلی محکم از این گزارشگر پذیرایی کرده تا ثابت کند که «بز ن بهادر» واقعی فوتبال ایران چه کسی است. او بارها سابقه قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی را داشته است

صدای مردم را می‌شنود و پا به پای آنها به حرکت درمی‌آید تا حداقل بخشی از نارسایی‌ها را کمرنگ کند. خبر احضار این چهره به دادسرا برای ادای پاره‌ای از توضیحات درباره جمع‌آوری کمک‌های مردمی، با واکنش شدید اهالی فوتبال در ایران روبه‌رو شد و بلافاصله موج گسترده‌ای از حمایت‌ها از علی دایی را به راه انداخت. او باید تا ماه‌ها و حتی شاید سال‌ها به خاطر این

حرکت فراموش نشدنی، مورد ستایش قرار می‌گرفت اما برای چندمین بار ترجیح داد لباس هایش را به گردو خاک یک جنجال تازه آغشته کند. او حالا از جایگاه قهرمان مردم، به نقطه‌ای سقوط کرده که سوژه زم‌مه‌های هواداری و هجوم اینستاگرامی باشد. شهریار خودش را وارد بازی فوتبال نیست‌هایی کرده که حتی یک بسازی ملی نیز در کارنامه ندارند و مجموع سن‌شان به زحمت به سن و سال این مربی می‌رسد.

«بز ن بهادر» لقبی است که شهریار برای سنگربان خارجی پرسپولیس در نظر گرفت. او حتی یک قدم جلوتر رفت و به مدیران این باشگاه توصیه کرد به جای امضای قرارداد با بز ن بهادرهای خارجی، به سراغ گلرهای داخلی بروند. طبیعتاً این که باشگلی مثل پرسپولیس با کدام بازیکن از کدام ملیت قرارداد می‌بندد، در حیطه وظایف علی دایی قرار ندارد. او در حالی به نقد عملکرد رادوشوویچ می‌پردازد که عطش شخصی‌اش برای سهیم شدن در یک دعوی تازه، بر هیچ کس پوشیده نیست.

دایی در ظاهر، از جنجال و درگیری بیزار به نظر می‌رسد اما بیشتر از «کاتر مک‌گرگور» در متن درگیری‌های مختلف قرار داشته و این بار نیز، همین رفتار را تکرار کرده است. سرمربی سایپا در حالی رفتار چند مهره پرسپولیس را مورد سرزنش قرار می‌دهد که گزارشگر رسانه ملی، از کتک خوردن به دست این مربی صحبت کرده است. به گواه شاهدان حاضر در ورزشگاه تختی، شهریار با یک سیلی محکم از این گزارشگر پذیرایی کرده تا ثابت کند که «بز ن بهادر» واقعی فوتبال ایران چه کسی است. او بارها سابقه قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی را داشته و شنیدن این خبر، دیگر برای هیچ کس غافلگیرکننده به نظر نمی‌رسد. علی دایی چندین سال قبل، شان خودش را تاحد و اندازهای درگیری فیزیکی با بوچی‌های پرسپولیس پایین آورد. این مربی چندین بار در آستانه درگیری فیزیکی با منتقدانش قرار گرفته و حتی یک بار در کلاس مربیگری، فاصله‌ای با دست به یقه شدن با محمد مایلی‌کهن نداشته است. آن چه یک فوتبال‌بست تجربه را به یک مربی بزرگ تبدیل

به نظر می‌رسد بایی با وجود یک دهه سرمربیگری، در کنار زمین هنوز یک «مهاجم عصبانی» است و همچنان کنترل چندانی روی خشمش ندارد. یک مربی در چنین موقعیتی، طبیعتاً باید پخته‌تر عمل کند و سدر ادهر گیری شود اما شهریار به سرعت خودش را در درگیری حل می‌کند

می‌کند، توانایی ویژه کنترل ذهن زیر فشار شدید است. فشاری که مربی‌ها در جریان هر بسازی تحمل می‌کنند، به مراتب بیشتر از فشاری است که در زمین شامل حال فوتبال‌بست‌ها می‌شود. چرا علی دایی با وجود پیشرفت در مربیگری، بعد از همه این سال هنوز نتوانسته یک مربی بزرگ باشد؟ پاسخ این سوال را باید در خوشنوتی جست‌وجو کرد که هرگز شهریار را به حال خودش رها نمی‌کند. اراده‌ای که این مربی را دائماً به طرف دعوا و درگیری سوق می‌دهد و در هیچ شرایطی دست‌از سر او بر نمی‌دارد.

اواخر فصل گذشته فوتبال جزیره، کاپیتان وستهم یونایتد به خاطر کتک زند یک «جیمی جامپ» در زمین، به شدت مورد سرزنش رسانه‌ها قرار گرفت و به سختی جریمه شد. رسانه‌های انگلیسی باور داشتند که این بازیکن تصویری خشن از فوتبال به نوجوان‌ها ارائه کرده و به این خاطر، سزاوار سرزنش است. کتک زند یک خبرنگار، حتی می‌تواند به زندانی شدن یک فوتبال‌بست یا یک مربی منجر شود اما در ایران، کمیته انضباطی جسارت لازم را برای ورود به چنین پرونده‌هایی ندارد. نتیجه این انفعال، تندتر شدن آتش رفتارهای علی دایی در کنار زمین است. مردی که می‌توانست خودش را با مدیریت سرگرم کند و یک کرسی مهم در فیفا یا اف.سی برای فوتبال ایران به دست بیاورد اما ترجیح داد و قتش را با تکرار همان جنجال‌های همیشگی در فوتبال ایران سپری کند.

مربی و مدیرعامل پرسپولیس، عجیب‌ترین و طولانی‌ترین دوتسل در برنامه تلویزیونی ۹۰ راپشت سر گذاشتند و تا حوالی طلوع آفتاب، علیه هم موضع گرفتند. دایی به بدترین شکل ممکن از پرسپولیس جدا شد و جانشین او درست به همین خاطر، ناچار بود با تندترین فشارها دست و پنجه نرم کند. او بعدها در نفت نیز با بابک زنجانی به مشکل خورد تا نشان بدهد که اساساً میانه‌ای با سازگاری ندارد و حضور هیچ مدیری را پس از مدتی، بر نمی‌تابد. دایی در سال ۲۰۰۶ با بخشی از ستاره‌های تیم ملی دچار مشکل شده بود و قهر طولانی‌اش با علی کریمی نیز، از همان نقطه نشأت می‌گرفت. او برای مدتی پای جادوگر را از تیم ملی و پرسپولیس برد و یکی دیگر از درگیری‌های پر حاشیه زندگی‌اش را مقابل مرد شماره هشت تجربه کرد.

شهریار هیچ‌وقت رابطه خوبی با «تماشاگرها» نداشته و شاید به همین خاطر است که در این سال‌ها، ترجیح می‌دهد در تیم‌هایی کار کند که صدای خمیازه نیمکت‌نشین‌ها در آن، از صدای سکوها در دیدارهای خانگی‌اش بیشتر به گوش می‌رسد. او بارها تاکید کرده که حاضر به نقش بازی کردن نیست و هر رفتاری که از این مربی سر می‌زند، واقعیت او را نشان می‌دهد. وقت مواجه شدن با این واقعیت تلخ اما، خیلی‌ها امیدوارند دایی حداقل گاهی نقش بازی کند و حداقل در ظاهر، از این شمایل تندخویانه فاصله بگیرد.

از تمرکزش را روی درگیری لفظی با محمد مایلی‌کهن گذاشته بود. وسط این جارو جنجال‌ها، دایی کمی هم به تیم ملی پرداخت و البته پس از شکست برابر عربستان، باز هم با تصمیمی که مراجع فوتبالی در آن نقش زیادی نداشتند، شغلش را از دست داد. پایان همکاری با فدراسیون کفاشیان، شروع دوران تازه‌ای از جنجال‌های دایی بود. او مدام از «متمم» قراردادش با فدراسیون صحبت می‌کرد و بارها در برنامه‌های تلویزیونی، به انتقاد مستقیم از مدیران فدراسیون پرداخت. این جنجال هنوز به پایان نرسیده بود که او هدایت پرسپولیس را بر عهده گرفت و با انبوهی از جملات ستایش‌آمیز در وصف حبیب کاشانی، کارش را در باشگاه آغاز کرد. مدتی بعد اما این



رانیز در خود جای داده بود، اختلاف دایی با پرسپولیسی‌ها را از همیشه آشکارتر کرد و این شکاف عمیق، هیچ‌وقت کاملاً از بین نرفت. جدایی او از تیم ملی نیز در فضایی آرام و خوشایند اتفاق نیفتاد. البته که فدراسیون وقت نیز هیچ برنامه‌ای برای برگزاری یک بازی خداحافظی باشکوه برای قدردانی از بهترین گل‌زن فوتبال ملی در طول تاریخ نداشت اما اگر چنین برنامه‌ای هم ترتیب داده می‌شد، چند نفر از همبازی‌های علی دایی در تیم ملی حاضر به شرکت در آن بودند؟

علی دایی بلافاصله بعد از قهرمان کردن سایپا به عنوان مربی –بازیکن، با تصمیمی که مراجع فوتبالی سهم چندانی در آن نداشتند، روی نیمکت تیم ملی نشست. او در این دوره، بخش مهمی